






دوفصلنامه مطالعات موزه‌ای زرین فام
دوره ۳، شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۴
شاپا چاپی: ۹۲۴X-۲۹۸۰
شاپا الکترونیکی: ۹۵۴۱-۲۹۸۰

بازشناسی دو شمشیر منسوب به مختار ثقفی و امیر تیمور گورکانی

سید مسعود سید بنکدار   دانشیار گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
حسن رئیسی  کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه اصفهان، ایران.

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

چکیده

شمشیر در طول تاریخ جنگ‌های بشر همواره به‌عنوان مؤثرترین سلاح مورد توجه جنگ‌آوران قرار داشته است. در میان این جنگ‌افزارها شمشیرهایی نیز وجود داشته‌اند که به دلیل انتساب به یکی از شخصیت‌های نامدار تاریخی از شهرت خاصی برخوردار بودند. باین وجود به‌واسطه گذشت زمان پیشینه برخی از این شمشیرها به دست فراموشی سپرده می‌شد. دو قبضه شمشیری که منسوب به مختار بن ابوعبیده ثقفی و امیر تیمور گورکانی می‌باشند و در موزه ملی ایران و موزه نظامی نگهداری می‌شوند نیز در یک چنین موقعیت مشابهی قرار گرفته‌اند و به دلیل گذشت زمان پیشینه آنها تا به امروز مبهم بوده است. ضمن انجام مستندنگاری شمشیرهای یاد شده در بالا، مقاله حاضر در خصوص شمشیرهای مذکور به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های پیش‌رو است: ۱. اسامی افراد مندرج بر روی شمشیرها تا چه میزان اصالت تاریخی دارند؟ ۲. شمشیرهای مذکور در چه دوره‌ای ساخته شده‌اند؟ این پژوهش درصدد است، به روش تاریخی و تحلیلی - توصیفی و مشاهده میدانی و با استفاده از منابع موزه‌ای، اسنادی و کتابخانه‌ای به بررسی ویژگی‌های تاریخی و هنری و بازشناسی دو شمشیر منسوب به مختار ثقفی و امیر تیمور گورکانی بپردازد. در این تحقیق تاریخی پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، به سازمان‌دهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل و سرانجام استنتاج آنها پرداخته شده است. بنابر مطالعه ریخت‌شناسی شمشیرها، این نتیجه حاصل شد که آنها علی‌رغم کتیبه‌هایی که بر روی آنها حک شده است، ساخته دورانی نزدیک‌تر از زمان ادعایی خود و به احتمال زیاد، متعلق به دوره صفوی هستند.

واژگان کلیدی: شمشیر، مختار ثقفی، امیر تیمور گورکانی، صفوی، ناصرالدین شاه.

استناد: سیدبنکدار، سیدمسعود، رئیسی، حسن (۱۴۰۴). بازشناسی دو شمشیر منسوب به مختار ثقفی و امیر تیمور گورکانی. *مطالعات موزه‌ای زرین فام*، ۳(۴)، ۲۱۷-۲۳۶.

<https://doi.org/10.30481/museum.2025.532537.1059>

© ۲۰۲۵/۱۴۰۴ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است.

در طول تاریخ پرفراز و نشیب انسان تا قبل از ساخته شدن جنگ افزارهای آتشین، شمشیر همواره مهم ترین و کارآمدترین سلاح در جنگ ها بوده است. در تاریخ شمشیرهایی وجود دارند که به سبب انتساب به شخصیت های مذهبی و تاریخی دارای شهرت زیادی شده اند. اهمیت این دست شمشیرهای منتسب به شخصیت های شاخص موجب شده تا در طول تاریخ آثار جعلی بسیاری هم از این گونه جنگ افزار ساخته شود. شمشیر ذوالفقار منسوب به پیامبر اسلام (ص) یکی از مشهورترین این شمشیرها می باشد. این شمشیر بعدها از سوی پیامبر اسلام به علی بن ابیطالب (ع) اهدا شد که در آینده شمشیرهای زیادی به عنوان این شمشیر، جعل و ساخته شدند (زروانی، ۱۳۹۳، ج ۱۸: ذیل واژه ذوالفقار). هم اکنون شمشیرهای متعددی منسوب به شخصیت های مذهبی نظیر پیامبر (ص)، برخی از ائمه اطهار (ع) و صحابه پیامبر، در بخش امانات مقدس موزه توفیایی در استانبول نگهداری می شود (Aydin, 2012: 267-335; Bilirgen, 2014: 266-267). از سوی دیگر تعدادی از مهم ترین جنگ افزارهای منسوب به پادشاهان ایران از دوره تیموری به بعد در موزه نظامی واقع در مجموعه کاخ سعدآباد تهران نگهداری می شود که متعلق به اسلحه خانه کاخ گلستان بوده است.

با گذشت دوران، بخش اعظم جنگ افزارهای تاریخی موجود در اسلحه خانه کاخ گلستان از این مجموعه خارج گردید و به بخش های مختلفی نظیر موزه نظامی و موزه ملی ایران انتقال یافت. در بین این جنگ افزارها، دو شمشیر ارزشمند وجود دارد که مستندنگاری کاملی بر روی آنها انجام پذیرفته بود و نکات مبهمی در خصوص این دو اثر وجود داشت. با توجه به نفاست اثر و کتیبه های تاریخی مندرج بر روی تیغه های این دو شمشیر که این دو اثر را به شخصیت های تاریخی صدر اسلام نسبت می داد، این دو شمشیر ارزشمند برای بررسی تاریخی انتخاب شد.

پژوهش پیش رو بر آن است تا با اتکا بر مستندات تاریخی به مستندنگاری دو قبضه شمشیر از مهم ترین جنگ افزارهای موجود در موزه ملی ایران و موزه نظامی بپردازد. در این تحقیق تلاش گردیده با توجه به وجود اسامی شخصیت های تاریخی بر روی تیغه های شمشیر روشن شود که این شمشیرها در چه دوره ای ساخته شده اند و تا چه حد اسامی مندرج بر روی تیغه های شمشیر اصالت تاریخی دارند.

در خصوص موضوع پژوهش پیش رو تاکنون تحقیق مستقلی در خصوص شمشیرهای مذکور انجام پذیرفته است. رومانوسکی دوبنچا در پژوهش های انجام شده در سال های دور با عنوان «تاریخچه اسلحه سرد در ایران» به بررسی کلیت تاریخ اسلحه در ایران پرداخته است و بر این اساس مطلبی در خصوص شمشیرهای مورد مطالعه در این مقاله یافت نمی شود (دوبنچا، ۱۳۴۶). در کتابچه «تاریخچه فلز و سلاح در ایران» که در سال ۱۳۶۳ توسط موزه نظامی تهیه گردیده نیز تنها به معرفی کلی و مختصر جنگ افزارها در تاریخ ایران پرداخته شده و اطلاعاتی در خصوص شمشیرهای مورد مطالعه در این اثر ذکر نشده است (تاریخچه فلز و سلاح در ایران، ۱۳۶۳). تنها در کتاب «Arms and Armor from Iran» نوشته مشتاق خراسانی به صورت مختصر و بدون توجه به مستندات تاریخی تنها به توصیف ظاهری شمشیر موجود در موزه ملی ایران پرداخته شده است (Khorasani, 2006). اثر دیگر کتاب «ابزارآلات جنگ» نوشته ناصر خلیلی و دیوید آلکساندر است که توجه بیشتر این کتاب بر روی جنگ افزارهای موجود در مجموعه ناصر خلیلی بوده است؛ از این رو تمرکزی بر روی آثار شاخص موجود در موزه های کشور از جمله دو اثر مورد پژوهش نداشته است (خلیلی و آلکساندر، ۱۳۸۷). روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از منابع

کتابخانه‌ای و اسناد و مدارک آرشیوی استفاده شده است. در این روش، پس از جمع‌آوری اطلاعات کافی، به سازماندهی اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شده است.

شمشیر در دوران اسلامی

برای شناخت شکل شمشیرهای قرون اولیه اسلامی می‌توان به دو قبضه شمشیر باقی مانده از این دوران اشاره کرد که در وضعیت مناسبی تا زمان حاضر باقی مانده‌اند و در اختیار موزه توپکاپی ترکیه می‌باشند. یکی از این جنگ‌افزارها شمشیری است که بر روی تیغه آن نام سازنده آن به صورت ناخوانا و سال ساخت آن (۱۰۰هـ.ق/۷۱۹م) حک شده است. بر روی تیغه این شمشیر نام خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز (درگذشته به سال ۱۰۱هـ.ق/۷۲۰م) نقر شده است. دومین شمشیر دسته طلاکوبی شده دارد و بر روی تیغه آن سال (۱۰۵هـ.ق/۷۲۴م) و نام خلیفه اموی هشام بن عبدالملک (درگذشته به سال ۱۲۵هـ.ق/۷۴۳م) حکاکی شده است. شاخصه اصلی این دو شمشیر صاف بودن تیغه آنهاست (ذکی، بی تا: ۴۶). به غیر از دو شمشیر مذکور، تعدادی دیگر شمشیر نیز در مجموعه امانات مقدس موزه توپکاپی سرای نگهداری می‌شوند که منسوب به پیامبر اسلام، خلفای چهارگانه و صحابه پیامبر می‌باشند و به مانند دوشمشیر ذکر شده تیغه‌ای صاف و مستقیم دارند (Bilirgen, 2014: 294).



شکل ۱. شمشیر منسوب به حضرت علی بن ابی طالب (ع)، موزه امانات مقدس توپکاپی (Aydin, 2005: 294&295)



شکل ۲. شمشیر منسوب به حضرت علی بن ابی طالب (ع)، موزه امانات مقدس توپکاپی (Aydin, 2005: 294&295)

این چند نمونه اثبات می‌کند که تا قبل از این تاریخ شکل کلی شمشیرها صاف و بدون انحناء بوده و آنچه از شمشیرهای رومی و ایرانی قبل از اسلام در مجموعه‌های شخصی و موزه‌های دنیا باقی مانده اثبات کننده این مدعاست.

اولین نمونه‌های مشاهده شده از تیغه‌های منحنی مربوط به اوایل دوران عباسی می‌باشند. تیغه این شمشیرها با مقداری انحناء ساخته شده‌اند. ساخت این گونه شمشیرها به دلیل پیشرفت صنعت فلزکاری و به تبع آن ساخت زره‌هایی با مقاومت بالا بود. شمشیرهای ساخته شده با تیغه صاف به منظور قطع کردن ساخته می‌شدند ولی به دلیل شکل ظاهری نمی‌توانستند توانایی شمشیر را در پاره کردن زره و به تبع آن آسیب پذیر کردن بدن حریف را افزایش بدهند (ذکی، بی تا: ۱۴۷). قدرت پاره کردن این گونه شمشیرها در هنگام استفاده سواره نظام به دلیل اینکه نیروی حرکت اسب با نیروی دست سوارکار جمع می‌شد، افزایش می‌یافت و آسیب بیشتری وارد می‌کرد و همین ویژگی سبب شد تا این شکل از شمشیر سلاح محبوب سواره نظام گردد. با گسترش استفاده از سواره نظام در دوره هجوم صحرانوردان آسیای مرکزی به ایران و تشکیل حکومت‌های سلجوقی، ایلخانی و تیموری، که سپاه آنها عمدتاً سواره نظام بودند، ساختار این شمشیرهای منحنی نیز تکامل پیدا کرد تا اینکه در دوران صفوی این تکامل به نقطه اوج خود رسید (ذکی، بی تا: ۱۰۱ و ۵۳؛ احسانی، ۱۳۶۸: ۲۶۴).

در دوره صفوی به سبب حمایت گسترده پادشاهان صفوی از صنعت فولادسازی و به تبع آن شمشیرسازی، این صنعت به اوج شکوفایی خود رسید و علت این حمایت نیز قرار گرفتن در جوار دو دولت قدرتمند عثمانی در غرب و ازبکان در شرق و لزوم آمادگی پیوسته برای مواجهه با تهاجمات این دو دولت بود. شمشیرهای ساخت ایران در این دوره بسیار مرغوب و محکم بوده است و این مرغوبیت به اندازه‌ای بوده که شمشیرهای ساخت صنعت گران اروپایی یارای رقابت با آنها نداشته‌اند (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۸۵). دلیل مرغوبیت شمشیرهای فولادین ساخت ایران در این دوره استفاده از نوعی فولاد مرغوب بوده که از ناحیه گل گندای هند وارد می‌شده است (شاردن، ۱۳۷۴: ۸۸۶).

در دوره صفوی نیز شمشیر صاحب منصبان و فرماندهان و امیران بزرگ به فراخور شأن و مقام آنها به طور ویژه ساخته می‌شدند. در مواردی اسم صاحب شمشیر و نام سازنده آن بر روی قسمت انتهایی تیغه حک می‌شد. معمولاً نام صاحبان در قالب عباراتی مختصر و موجز و سجع گونه با هنرمندی در درون ترنجی نوشته می‌شدند. در مورد شمشیرهای منسوب به شخصیت‌های بنام، نکته قابل توجه دیگر این است که شمشیرسازان گمنام در موارد متعدد، مبادرت به جعل نام شمشیرسازان مشهور و شخصیت‌های شناخته شده بر روی شمشیرهای خود می‌کردند. از معروف‌ترین سازندگان شمشیر، که سایر شمشیرسازان نام و امضای وی را زیاد جعل کرده‌اند «اسدالله اصفهانی» است. محصولات کارگاه وی برای استفاده خاندان سلطنتی و امیران و شاهزادگان ساخته می‌شد و شمشیرسازان ایرانی، ترک و هندی به سبب شهرت و هنرمندی او، شمشیرهای تولیدی خود را با نام وی و تاریخ جعلی بر روی تیغه‌ها طلاکوبی می‌کرده‌اند (احسانی، ۱۳۶۸: ۲۶۴).

به هر روی دوره صفوی اوج هنر شمشیرسازی در ایران بود و بعد از این دوره با پیشرفت ساختاری سلاح‌های آتشین و افزایش کارایی آنها در نبردها، شمشیر اهمیت سابق خود را از دست داد و استفاده از آن محدود و سپس به کلی منسوخ شد. بر همین اساس تیغه شمشیرها نیز کیفیت خود را از دست دادند و چون استفاده از شمشیر فقط جنبه تزئینی پیدا کرده بود، بیشتر تلاش سازندگان شمشیر معطوف به تزئینات و نشان دادن سنگ‌های قیمتی بر روی شمشیرها شد (احسانی، ۱۳۶۸: ۲۶۴).

توجه پادشاهان ایرانی به جمع‌آوری جنگ‌افزارهای نفیس

در دوره‌های مختلف تاریخی پادشاهان ایران چه در دوره پیش از اسلام و چه در دوران اسلامی علاقه تام و تمامی به جمع‌آوری جنگ‌افزارهای ارزشمند در خزائن خود داشتند. برای نمونه به هنگام فتح تیسفون و تصرف نئاس موجود در خزائن پادشاهان ساسانی به دست اعراب مسلمان، جنگ‌افزارهای ارزشمندی نصیب آنان شد. در این حوادث از یک ایرانی اسبی گرفته شد که در خورجین و دو صندوق روی آن، یازده قبضه شمشیر و چندین زره بود. گفته می‌شد شمشیرها از آن شخصیت‌های معروفی چون خسرو، هرمز، قباد، فیروز، هرقل، خاقان، داهر، بهرام، سیاوخش و نعمان بن منذر بودند. زره‌ها نیز شامل زره‌های منسوب به هرقل، خاقان، داهر، بهرام چوبین، سیاوخش، نعمان بن منذر و خسرو بود. به نظر می‌رسد، آن بخش از جنگ‌افزارهایی که تعلق به حاکمان غیر ایرانی داشت در طی جنگ‌ها به دست آمده بودند و پادشاهان ساسانی این غنایم را به خزانه خود افزوده بودند (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۲۱-۱۸۲۰؛ ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۳۳-۳۳۲؛ ابن مسکویه، ۱۳۶۹: ۳۲۲-۳۲۴).

علاقه پادشاهان ایرانی به جمع‌آوری جنگ‌افزارهای نفیس در دوران اسلامی نیز ادامه داشت برای نمونه در دوران صفوی نیز جنگ‌افزارهای نفیس و ارزشمند تاریخی سلاطین صفوی در قلعه طبرک نگهداری می‌شدند. (شاردن، ۱۳۴۵: ج ۷: ۲۷۶-۲۶۸؛ شاردن، ۱۳۳۶: ج ۴: ۲۰۹؛ شاردن، ۱۳۳۶: ج ۳: ۲۷۱؛ کاری، ۱۳۴۸: ۸۳۰۸۴؛ کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۶۰).

سنت جمع‌آوری شمشیرهای ارزشمند تاریخی در دوره آقامحمدخان قاجار و فتحعلی شاه نیز انجام شد و مجموعه‌ای از نفیس‌ترین جنگ‌افزارهای منسوب به پادشاهان سلسله‌های صفوی به بعد در گنجینه پادشاهان قاجار جمع‌آوری شد و نام فتحعلی شاه قاجار به سایر نام‌های پادشاهان صفوی بروی تیغه برخی از شمشیرها اضافه گشت. در ادامه روند غنی‌تر نمودن مجموعه مذکور، ناصرالدین شاه ساختمان تازه‌ای برای اسلحه‌خانه در سال (۱۲۷۰هـ/ق/۱۸۵۳م) بنا کرد و «... تمام اسلحه سلاطین ماضیه و این عهد همایون که همه ممتاز و مزین بطلا و مرصع بجواهر و از کارهای اساتید قدیمه و جدیده بود در آنجا بنظم و ترتیب گذاشتند...» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۶۰).

ناصرالدین شاه در طی یکی از سفرهای اروپایی خود (۱۲۹۰هـ/ق/۱۸۷۳م) و دیدار از موزه‌های کشورهای اروپایی، نسبت به این موضوع علاقه‌مندتر شد و بعد از بازگشت از اروپا تصمیم گرفت تا در ارگ سلطنتی ساختمانی شبیه موزه‌های اروپایی بسازد. به همین منظور پس از بازگشت به ایران دستور داد که عمارت قدیمی شمال باغ گلستان را خراب کرده اتاق موزه و ملحقات دیگر آن را بسازند (ذکاء، ۱۳۴۸: ۱۲۳). شاه که علاقه زیادی به توسعه موزه‌اش داشت تلاش می‌کرد تا هرچه بیشتر آثار ارزشمند را به مجموعه موزه اضافه نماید (سیاح، ۱۳۵۹: ۷۲). بخشی از اموال به نمایش درآمده در موزه مبارکه اختصاص به جنگ‌افزارهای انتقالی از اسلحه‌خانه و خزانه جواهرات شاه داشت. بسیاری از این جنگ‌افزارها یادگارهای پادشاهان صفوی بودند.

با سقوط سلسله قاجاریه و به سلطنت رسیدن پهلوی اول بخش زیادی از سلاح‌های موجود در تالار موزه، اسلحه‌خانه و مخازن کاخ گلستان به دانشکده افسری و موزه ایران باستان انتقال داده شد. بخش کمی از سلاح‌ها نیز همراه با جواهرات سلطنتی به بانک ملی انتقال داده شده و باقی‌مانده آثار در مخازن و تالارهای کاخ گلستان نگهداری شدند.

بازشناسی و ریخت‌شناسی دو شمشیر منسوب به مختار ثقفی و امیر تیمور گورکانی

همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد در طول تاریخ انتساب برخی از جنگ افزارها به شخصیت‌های مذهبی و تاریخی موجب اهمیت یافتن آنها می‌شد. یک نمونه از این موارد شمشیر مختار بن ابوعبیده ثقفی است. سبب این اشتها، مهارت زیاد مختار در به کار بردن شمشیر در جنگ‌ها بود. مهارت بالای او در استفاده از شمشیر سبب شده بود که وی در نبردهای تن‌به‌تن پیروز از میدان بیرون بیاید. این مهارت موجب شهرت شمشیر وی که «ذوالراحة» نام داشت نیز شده بود (ذکی، بی‌تا: ۴۵). شمشیر مذکور از جنبه دیگر نیز برای شیعیان اهمیت داشت زیرا با این شمشیر انتقام قاتلان فاجعه کربلا گرفته شده بود و در اختیار داشتن این شمشیر می‌توانست برای دارنده آن افتخاری محسوب شود. کسب این افتخار سبب می‌شد تا افراد زیادی به دنبال به دست آوردن آن باشند.

همچنین امیر تیمور گورکانی نیز به سبب پیروزی‌هایی که در طول حیات خود کسب کرده بود دارای شهرت بسیار زیادی بود و طبیعتاً در اختیار داشتن شمشیر وی نیز می‌توانست مایه افتخار باشد. برای نمونه منابع تاریخی دوره صفوی (مانند فوائد الصفویه و خلد برین) در وقایع مربوط به سال پنجم سلطنت شاه صفی (۱۰۴۳ ه.ق/ ۱۶۳۳ م) به واقعه غریبی اشاره کرده‌اند و آن جریان پیدا شدن شمشیری منسوب به امیر تیمور گورکانی است. این شمشیر توسط سوندوک سلطان حاکم بحرین در قزوین به شاه صفی تقدیم شد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۵۴). اطرافیان شاه صفی پیدا شدن این شمشیر و رسیدن آن به دست شاه را عطیه غیبی دانستند (واله قزوینی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۵۹-۱۶۰).

احتمال بسیار دارد که اعلام خبر پیدا شدن چنین شمشیری و انعکاس گسترده آن در منابع تاریخی صفوی بی‌ارتباط با روابط متشنج شاه صفی با سلسله گورکانیان هند بر سر مالکیت شهر قندهار و شورش شیرخان افغان و اعلام اطاعت وی از اعقاب تیمور یعنی گورکانیان هند نباشد (قزوینی، ۱۳۶۷: ۵۴-۵۵) و احتمالاً شاه صفی با این کار قصد القاء برتری روانی نسبت به رقیب را داشته‌است. بعد از این تاریخ دیگر سخنی از وجود چنین شمشیرهایی در منابع تاریخی تا دوره ناصری به دست نمی‌آید. تا اینکه در سال (۱۲۹۹ ه.ق/ ۱۸۸۱ م) اعتماد السلطنه به وجود شمشیری در موزه ناصرالدین شاه اشاره می‌کند که بر روی آن نام شخصیت‌های تاریخی مانند مختار و امیر تیمور حک شده‌است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۴: ۲۰۴۷).

مطالعه توصیف چنین شمشیری موجب شد تا تحقیقاتی برای یافتن شمشیر مذکور در میان مجموعه‌های تاریخی کشور انجام شود. بر اساس مطالعات میدانی صورت گرفته در موزه‌های کشور دو قبضه شمشیر که شباهت بسیار به توصیفات اعتماد السلطنه داشت، یافت شد. هر دو شمشیر دارای کتیبه‌هایی با نام شخصیت‌های تاریخی می‌باشند. یکی از شمشیرها در مجموعه موزه ملی ایران قرار دارد و دیگری در موزه نظامی ارتش نگهداری می‌شود. هر دو شمشیر مورد پژوهش در جریان نقل و انتقال‌های دوره پهلوی اول در حدود سال (۱۳۱۷ ه.ش/ ۱۹۳۸ م) از کاخ گلستان و ابواب جمعی بیوتات سلطنتی خارج شدند. یکی از شمشیرها همراه با سایر آثار به دانشکده افسری ارتش در باغشاه انتقال داده شد و با ایجاد موزه دانشکده افسری در آن مجموعه قرار گرفت. این مجموعه با پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد موزه ارتش در مجموعه کاخ سعدآباد به کاخ شهرام انتقال یافت. شمشیر دیگر همراه با مجموعه‌ای از آثار باستانی و صنایع هنری از کاخ گلستان به موزه ایران باستان انتقال یافتند؛ بنابراین منشأ هر دو قبضه شمشیر مورد بررسی از مجموعه سلطنتی پادشاهان قاجار در کاخ گلستان است.

نکته قابل توجه این است که هر دو شمشیر مورد نظر تاکنون مورد بررسی و مستندنگاری دقیق قرار نگرفته‌اند و مطالب درج شده در مورد شناسنامه این دو اثر فرهنگی مبهم و ناقص می‌باشند و با وجود ارزش بالای هر دو شمشیر تاکنون تحقیق جامع و کاملی

بر روی این دو اثر انجام نشده است؛ کما این که شناسنامه هر دو اثر در موزه ملی و موزه نظامی ناقص و دارای اشتباه می باشند. شمشیری که در موزه ملی ایران قرار دارد مورد بررسی، در تحقیق مشتاق خراسانی قرار گرفته است؛ با وجود این، وی این شمشیر را به طور دقیق مورد بررسی قرار نداده و کتیبه های نوشته شده به خط کوفی روی تیغه آن را خوانش نکرده است (Khorasani, 2006: 444). همچنین اطلاعات ارائه شده توسط موزه ملی در توضیحات کنار اثر هم ناقص و دارای اشتباه می باشند. قبضه دوم نیز که در موزه نظامی قرار دارد تاکنون مورد بررسی محققان قرار نگرفته، به گونه ای که مشخصات شمشیر به صورت صحیح در دفتر اموالی موزه ثبت نشده است و کتیبه های کوفی روی تیغه شمشیر را به اشتباه آیات قرآنی تصور کرده اند (صورت جلسه موزه نظامی: ردیف ۹۳، ویرین ۲۸).

معرفی و ساختارشناسی دو شمشیر منسوب به مختار ثقفی و امیر تیمور گورکانی

مشخصات ظاهری شمشیر موجود در موزه ملی ایران (شکل ۳).



شکل ۳. شمشیر اهدایی طهماسب میرزا مؤیدالدوله به ناصرالدین شاه منسوب به مختار بن ابوعبیده ثقفی به همراه غلاف آن (منبع عکس: نگارنده)

مشخصات ظاهری:

۱. طول شمشیر: ۹۴ سانتیمتر
۲. طول تیغه: ۸۴ سانتیمتر
۳. عرض تیغه در قسمت ابتدایی: ۳ سانتیمتر
۴. عرض تیغه در قسمت میانی: ۲/۶ سانتیمتر
۵. بیشترین میزان خمیدگی: ۱۲ سانتیمتر
۶. طول دسته به همراه بالچاق: ۱۱/۵ سانتیمتر
۷. طول بلچاق: ۱۰/۵ سانتیمتر
۸. طول کلاهک قبه: ۲/۷ سانتیمتر
۹. نوک: پخ و تیز در دو طرف

۱۰. وزن بدون غلاف: ۶۵۰ گرم

۱۱. وزن به همراه غلاف: ۹۱۰ گرم

۱۲. شماره اموالی ۲۳۷۳۹

این شمشیر که از فولاد جوهردار ساخته شده دارای شش کتیبه زرکوب به ترتیب زیر می باشد:

جدول ۱. شمشیر اهدایی طهماسب میرزا مؤیدالدوله به ناصرالدین شاه منسوب به مختار بن ابوعبیده ثقفی

	کتیبه اول «امیر عبدالله بن زبیر» (منبع شکل: نگارنده)
	کتیبه دوم «ابوعبیده ثقفی» (منبع شکل: نگارنده)
	کتیبه سوم «مختار بن ابوعبیده ثقفی» (منبع شکل: نگارنده)
	کتیبه چهارم «امیر طیمور گورکان ۲۲۱» (منبع شکل: نگارنده)

		<p>کتیبه پنجم «بنده شاه ولایت شاه صفی ۱۲۱» (منبع شکل: نگارنده)</p>
		<p>کتیبه ششم «هلال یک شبه مهر ذوالفقار علی به دست شاه سلیمان چو ذوالفقار علی ۳۷۲؟» (منبع شکل: نگارنده)</p>
		<p>کتیبه هفتم «السلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار سنه ۱۳۰۰» (منبع شکل: نگارنده)</p>

این شمشیر به طول ۹۴ سانتیمتر، با تیغه‌ای منحنی و از جنس فولاد جوهردار ساخته شده است. در قسمت ابتدای تیغه یک ترنج طلاکوب که درون آن عبارت «هلال یک شبه مهر ذوالفقار علی به دست شاه سلیمان چو ذوالفقار علی ۳۷۲؟» نقر شده وجود دارد و بعد از آن کتیبه دیگری درون یک ترنج طلاکوب حاوی عبارت «بنده شاه ولایت صفی ۱۲۱» حکاکی شده است. بعد از این ترنج درون یک شمشه طلاکوب زیبا عبارت «امیر تیمور گورکان ۲۲۱» نقر شده است و بعد از این کتیبه سه کتیبه دیگر که درون سه ترنج هندسی طلاکوب حکاکی شده اند به ترتیب عبارات «مختار بن ابوعبیده ثقفی» و «ابوعبیده ثقفی» و «امیر عبدالله بن زبیر» آورده شده است. بر طرف دیگر تیغه درون یک ترنج طلاکوب نام «السلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار

سنه ۱۳۰۰» حک شده است. بلچاق این شمشیراز جنس فولاد آبدیده بوده و در دو طرف انتهایی خود دو کوتورگه (زائده‌های گل‌میخ مانندی) با شکل گل آفتابگردان به صورتی زیبا کار شده است که در یک طرف خود درون زمینه بیشه مانندی که به زیبایی تصویرسازی شده، تصویر بازی در حال شکار درنا و در طرف دیگر نبرد یک شیر با اژدها به تصویر کشیده شده است. قسمت ستون دسته از استخوان شیرماهی ساخته شده و در دو طرف قسمت فلزی دسته در دو طرف نردبان محمد و گلگونه حکاکی شده و بر روی سردسته آن نیز سه ردیف موازی نردبان محمد و طرح‌های گلگونه کنده کاری شده است. کلاهک نسبت به دسته زاویه‌ای ۹۰ درجه ساخته و بر روی دو طرف آن درون حاشیه‌ای گلگونه در یک طرف صحنه شکار شدن درنا توسط باز و در طرف دیگر صحنه نبرد شیر و اژدها به صورتی چشم‌نواز حکاکی شده که تصاویری مینیاتوری از حکاکی روی بلچاق است. در حاشیه کلاهک نیز در سه ردیف طرح نردبان محمد و گلگونه به نحوی هنرمندانه و بسیار ظریف قلم کاری شده است. غلاف این شمشیر چوبی به همراه تزئینات فلزی که بر روی آنها همان نقوش روی بلچاق حکاکی گردیده، با روکشی از مخمل بنفش به صورتی هنرمندانه ساخته شده است.



شکل ۴. کتیبه‌های تیغه شمشیر (منبع عکس: نگارنده)



شکل ۵. کتیبه‌های تیغه شمشیر (منبع عکس: نگارنده)



شکل ۶. کتیبه‌های حکاکی شده بر روی شمشیر به همراه نقوش روی بلچاق (منبع عکس: نگارنده)



شکل ۷. شکل کلاهک و نقوش به کاررفته بر روی آن (منبع عکس: نگارنده)



شکل ۸. کتیبه ناصرالدین شاه قاجار (منبع عکس: نگارنده)

در بررسی‌های تاریخی صورت گرفته سندی به دست آمد که صورت جواهرات سلطنتی صندوقخانه ناصرالدین شاه در آن نوشته شده است. در میان اقلام ذکر شده در این دفترچه مشخصات شمشیری آورده شده است که توسط طهماسب میرزای مؤیدالدوله به موزه مبارکه ناصرالدین شاه اهداء شده است. بر اساس اطلاعات قید شده در سند، مشخصات شمشیر توصیف شده با شمشیر موجود در موزه ملی ایران مطابقت کامل دارد. بر اساس این اطلاعات شمشیر مذکور در توسط مؤیدالدوله به شاه تقدیم شد و در سال (۱۳۰۰ه.ق/۱۸۸۲م) با نظارت میرزا علی اصغر خان امین السلطان و توسط میرزا علینقی خان زرگرباشی، زرگر دربار، با طلای تیزابی زرکوب گردید و کتیبه هفتم با ترنجی که در آن عنوان «السلطان صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار سنه ۱۳۰۰» زرکوبی شده اضافه شده است (موزه ملی ملک سند شماره: ۶۱۴۴).

افزون بر اطلاعات سند، اعتمادالسلطنه نیز این شمشیر را از تقدیمی‌های طهماسب میرزای مؤیدالدوله به ناصرالدین شاه می‌داند. بر اساس توصیفات اعتمادالسلطنه شمشیر مذکور دارای شش کتیبه بود که این کتیبه‌ها به ترتیب شامل این عبارات بوده‌اند: ۱- امیر عبدالله بن زبیر ۲- عمل بهادر ۳- مختار بن ابی عبیده ثقفی ۴- امیر تیمور گورکانی ۵- بنده شاه ولایت صفی ۶- هلال یکشبه مهر ذوالفقار علی به دست شاه سلیمان چو ذوالفقار علی (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۲۰۴۷). از آنجا که اعتمادالسلطنه شمشیر را در زمان تقدیم آن به شاه ملاحظه کرده بوده احتمالاً هنوز کتیبه هفتم به شمشیر اضافه نشده بوده است.

طهماسب میرزای مؤیدالدوله پسر دوم محمدعلی میرزا دولتشاه پسر بزرگ فتحعلیشاه قاجار بود. وی بعد از مرگ پدر در خدمت عمویش عباس میرزا وارد شد. وی در دوران محمدشاه قاجار به حکومت کاشان برگزیده شد و در طی دوران فعالیت سیاسی خود عهده‌دار مناصب بسیاری از جمله حکومت بر ایالات کرمان، فارس، همدان، کرمانشاه و کردستان شد. وی به صورت همزمان همچنین به پیشکاری ولیعهد در تبریز نیز رسید. مؤیدالدوله که برای تصاحب منصب پیشکاری ولایتعهد در آذربایجان با عزیزخان مکرری رقابت داشت توانست در سال (۱۲۸۶ه.ق/۱۸۶۹م) با اهدای پیشکشی و تقبل مبلغی که عزیزخان قرار بود برای این منصب به ناصرالدین شاه بپردازد، این مقام را به دست بیاورد (بامداد، ۱۳۸۷: ۱۹۹). وی در جریان این رقابت برای به دست آوردن نظر مثبت ناصرالدین شاه برای تصاحب منصب پیشکاری ولیعهد در آذربایجان، با توجه به علاقه ناصرالدین شاه به جمع‌آوری آثار نفیس احتمالاً در این تاریخ علاوه بر مبلغ اهدایی این شمشیر را نیز به وی پیشکش کرده است. در نهایت مؤیدالدوله توانست در رقابت با عزیزخان وی را شکست داده و منصب پیشکاری ولیعهد را به دست بیاورد ولی این پیروزی برای او چندان دوامی نداشت. در سال (۱۲۸۷ه.ق/۱۸۷۰م) عزیزخان توانست نظر ناصرالدین شاه را جلب کرده و مقدمات عزل مؤیدالدوله را فراهم آورد و این منصب را برای خود تخصیص دهد (بامداد، ۱۳۸۷: ۳۳۳).



شکل ۹. شمشیر موجود در موزه نظامی ارتش (منبع عکس: نگارنده)

مشخصات ظاهری

اندازه‌های شمشیر:

۱. طول شمشیر: ۹۳ سانتیمتر
 ۲. طول تیغه: ۷۹ سانتیمتر
 ۳. عرض تیغه در قسمت ابتدایی: ۳ سانتیمتر
 ۴. عرض تیغه در قسمت میانی: ۲/۶ سانتیمتر
 ۵. بیشترین خمیدگی: ۱۲/۵ سانتیمتر
 ۶. طول دسته به همراه بلچاق: ۱۱/۵ سانتیمتر
 ۷. طول بلچاق: ۱۰/۵ سانتیمتر
 ۸. طول کلاهک قبه: ۲/۹ سانتیمتر
 ۹. نوک: پخ و تیز در هر دو طرف
- این شمشیر نیز که از فولاد جوهردار ساخته شده دارای شش کتیبه زرکوب به ترتیب زیر می‌باشد:

جدول ۲. شمشیر موجود در موزه نظامی ارتش

	کتیبه اول «امیر عبدالله بن زبیر» (منبع شکل: نگارنده)
	کتیبه دوم «ابوعبیده ثقفی» (منبع شکل: نگارنده)
	کتیبه سوم «مختار بن ابوعبیده ثقفی» (منبع شکل: نگارنده)

		<p>کتیبه چهارم «امیر تیمور گورکان» (منبع شکل: نگارنده)</p>
		<p>کتیبه پنجم «بنده شاه ولایت شاه صفی» (منبع شکل: نگارنده)</p>
		<p>کتیبه ششم «عزیز خان مکری سردار کل ۱۲۷۷» (شکل ۶ و ۷) منبع شکل: نگارنده</p>

در بررسی‌های تاریخی صورت گرفته در اسناد سازمان اسناد ملی سندی به دست آمد که مشخصات ظاهری و محل نگهداری این شمشیر را در عمارت گالری واقع در کاخ گلستان ذکر کرده‌است. در این سند مشخصات ظاهری غلاف این شمشیر را که هم‌اکنون مفقود گشته است این‌گونه بیان کرده‌است: «... غلاف آهن ساده، [روکش] غلاف مخمل بنفش به انضمام بند چرمی به طول ۸۰ سانتیمتر...» (ساکما، سند شماره، ۸۱۳۶-۲۹۵: ۴۴۴). این شمشیر به طول ۹۳ سانتیمتر، با تیغه‌ای منحنی و از جنس فولاد جوهردار ساخته شده است. در قسمت ابتدای تیغه یک ترنج طلاکوب که درون آن عبارت «بنده شاه ولایت صفی» حکاکی شده، وجود دارد. بعد از این ترنج درون یک دایره طلاکوب عبارت «امیر تیمور گورکان» نقر شده است و بعد از این کتیبه سه کتیبه دیگر که درون سه ترنج هندسی طلاکوب حکاکی شده‌اند به ترتیب عبارات «مختار بن ابوعبیده ثقفی» و «ابوعبیده ثقفی» و «امیر عبدالله بن زبیر» آورده شده است. بر طرف دیگر تیغه درون یک ترنج طلاکوب نام «عزیز خان مکری سردار کل ۱۲۷۷» حک شده است. بلچاق این شمشیر از جنس فولاد آبدیده بوده و در دو طرف انتهایی خود دو کوتورگه (زائده‌های گل‌میخ‌مانندی) با شکل گل آفتابگردان به صورتی زیبا کار شده است که در یک طرف خود درون متن طرحی گلگونه تصویر بازی در حال شکار درنا و در طرف دیگر شیری در حال شکار یک گاو به تصویر کشیده شده و در قسمت درونی خود نسبت به قبضه عبارت «قبول کرد دربار شاه اسمعیل ۱۲۲۰^{هـ}» حکاکی شده است. قسمت ستون دسته از استخوان شیر ماهی ساخته شده و در دو طرف قسمت فلزی دسته فضای یک بیشه به زیبایی به تصویر کشیده شده است که در زمینه این بیشه در قسمت داخلی دسته به ترتیب یک شیر، یک آهو، یک باز و یک درنا و در طرف دیگر یک کبک، یک شیر، یک

درنا، یک گوزن و یک باز به صورت چشم نوازی حکاکی گردیده و بر روی سردسته آن سه ردیف موازی نردبان محمد و طرح های گلگونه کنده کاری شده است. کلاهک نسبت به دسته زاویه ای ۹۰ درجه ساخته و بر روی دو طرف آن درون حاشیه ای گلگونه در یک طرف صحنه شکار شدن درنا توسط باز و در طرف دیگر صحنه شکار گاو توسط شیر به صورتی چشم نواز حکاکی شده است. در حاشیه کلاهک نیز در سه ردیف طرح نردبان محمد و گلگونه به نحوی هنرمندانه و بسیار ظریف قلم کاری شده است.



شکل ۱۰. کتیبه عزیزخان مگری و نقوش به کاررفته بر روی بلجاق (نگارنده)



شکل ۱۱. کتیبه های تیغه شمشیر (نگارنده)



شکل ۱۲. کتیبه های تیغه شمشیر (نگارنده)



شکل ۱۳. نقوش به کاررفته بر روی کلاهک (منبع: نگارنده)

به احتمال قریب به یقین آخرین مالک صاحب نام این شمشیر عزیزخان مکرری بوده است. وی که یکی از رجال نامدار دوره قاجار محسوب می شود، فرزند محمدسلطان مکرری و داماد امیرکبیر می باشد. عزیزخان برکشیده میرزا تقی خان امیرکبیر بوده و از معدود نزدیکان امیر بود که بعد از وی توانست مقام و موقعیت خود را حفظ کرده، پله های ترقی را پیماید. او در سال (۱۲۷۵هـ.ق/۱۸۵۸م) به سمت پیشکاری بهرام میرزا معزالدوله حکمران آذربایجان، برگزیده شده و به تبریز رفت. عزیزخان سپس در سال (۱۲۷۶هـ.ق/۱۸۵۹م) به عضویت شورای وزراء درآمد و به تهران مراجعت کرد. او دوباره در سال (۱۲۷۷هـ.ق/۱۸۶۰م) به همراه مظفرالدین میرزای هشت ساله و با سمت پیشکاری وی به آذربایجان بازگشت و تا سال (۱۲۸هـ.ق/۱۸۶۸م) که از این سمت معزول شد، در این مقام باقی ماند. وی تلاش بسیار زیادی برای بازگشت به آذربایجان و به دست آوردن منصب سابق خود انجام داد (بامداد، ۱۳۸۷: ۳۲۶-۳۳۲).

عزیزخان تلاش هایی را برای رسیدن به مقام سابق خود انجام داد؛ اما به واسطه آنکه شاه در این برهه نظر مساعدی به وی نداشت او نتوانست موفقیتی به دست بیاورد. شاید بتوان گفت در این عدم موفقیت برای تصاحب منصب مذکور درکنار رقابت هایی شدید میان عزیزخان و مویدالدوله، برخی اقدامات حساسیت برانگیز عزیزخان نیز بی تأثیر نبوده است. باندرکی دقت در بررسی شمشیر شماره دو مشخص می شود که عزیزخان نام خود را در کنار نام بزرگان و پادشاهان حک شده بر روی تیغه شمشیر اضافه کرده است. مبادرت به چنین اقدامی می توانست ذهنیت شاه نسبت به وی را مغشوش نماید. کما اینکه شاه برای مدتی او را مورد التفات قرار نداده، برای مدتی درخواست عزیزخان مورد پذیرش واقع نمی شد. به هر روی پس از مدتی شاه با درخواست عزیزخان مکرری موافقت کرد و دوباره وی را در سال (۱۲۸۷هـ.ق/۱۸۷۰م) به منصب پیشکاری آذربایجان انتخاب کرد. این موفقیت برای وی چندان پایدار نماند و عزیزخان مکرری در همان سال در هشتادسالگی دار فانی را وداع گفت (بامداد، ۱۳۷۸: ۳۳۳).

برخلاف شمشیر موجود در موزه ملی از چگونگی ورود این شمشیر به مجموعه سلطنتی اطلاعی در دست نیست؛ تنها به واسطه اطلاعات موجود در اسناد سازمان اسناد ملی (ساکما، سند شماره، ۸۱۳۶-۲۹۵: ۴۴۴) و دفتر اموال کاخ گلستان به تاریخ (۱۳۱۶هـ.ش/۱۹۳۷م)، مشخص می شود که شمشیر موجود در موزه ارتش از کاخ گلستان به این موزه انتقال داده

شده است. توصیفات ثبت شده در دفتر اموال کاخ (به شماره ۲۰۰۲/۱۸۱۹) با مشخصات شمشیر موجود در موزه ارتش تطابق کامل دارد: «شمشیر تیغه جوهردار اعلی که روی یک طرف تیغه در میان پنج ترنج که سه ترنج به خط کوفی و دو ترنج به خط نستعلیق به شرح ذیل حک و طلاکوب شده اند. ترنج اول عبدالله بن زبیر، ترنج دوم ابو عبیده ثقفی، ترنج سوم مختار بن ابو عبیده ثقفی، ترنج چهارم امیر تیمور گورکان، ترنج پنجم شاه صفی و روی دیگر تیغه به خط نسخ عزیزخان سردار کل مکرری ۱۲۷۷ طلاکوب شده است. دسته شیر ماهی سفید کلاها و کرمک دو طرف دسته دو طرف بلچاق دو طرف قلباچه فولاد گل و برگ طیور و حیوانات منبت بسیار اعلی است که غلاف آن ساده غلاف مخمل بنفش به انضمام بند چرمی طول ۸۰ سانتیمتر». نکته قابل توجه اینکه برخلاف توصیف مطلب فوق الذکر اکنون اثری از غلاف مخمل بنفش به انضمام بند چرمی در توصیفات موجود در دفتر اموال ارتش دیده نمی شود و احتمال بسیار دارد که در جریان نقل و انتقالها غلاف شمشیر از تیغه آن جدا شده باشد.

این دو قبضه شمشیر با توجه به شکل ظاهری و میزان انحنای تیغه و زاویه قبه و نوع فولادی که از آن ساخته شده اند، احتمالاً ساخته زمانی به جز زمانی هستند که سازنده آن سعی در القاء آن داشته است. همان طور که قبلاً گفته شد، شکل ظاهری شمشیرهای اعراب در صدر اسلام و تا اوایل دوره عباسی، شبیه شمشیرهای ساسانی بوده است و ایجاد انحناء در تیغه شمشیر مربوط به زمان های بعد است. از جهتی دیگر میزان زاویه قبه این شمشیر تقریباً عمود بر دسته است که این نوع قبه با این زاویه در دوران صفوی مرسوم شده است. از سوی دیگر، خطوط حکاکی شده بر روی این تیغه به خط کوفی بدون نقطه نیست و همان طور که اطلاع داریم خط نوشتاری عرب در زمان ادعایی سازنده شمشیر، خط کوفی بدون نقطه بوده و در سال (۵۰ ه.ق / ۶۷۰ م) است که این خط اعراب گذاری می شود (ایرانی، ۱۳۴۶: ۳۴-۳۵). از جهتی دیگر، جنس تیغه این شمشیرها از نوعی فولاد ویژه هندی به نام گل کندا ساخته شده که تیغه شمشیرهای دوره صفوی مانند شمشیر منسوب به شاه عباس صفوی (در اختیار موزه والاس لندن) نیز از همین فولاد ساخته شده اند. این نوع فولاد به واسطه نقوش تشکیل شده بر روی سطح آن به فولاد جوهردار معروف بوده است (توحیدی، ۱۳۶۴: ۱۵۷).

با توجه به این واقعیات این گونه می توان برداشت کرد که این شمشیرها با توجه به مشخصات ظاهری آنها ساخته صنعت گران دوره صفوی هستند و احتمال دارد بعدها اشخاصی برای رسیدن به اهداف خود کتیبه های مذکور را در دوره های بعدتر بروی تیغه شمشیر اضافه کرده باشند. این دو شمشیر شباهت بسیار زیادی به هم دارند و احتمالاً هر دوی آنها ساخته دست یک استاد شمشیرساز هستند چون اندازه اجزای هر دو شمشیر (با اختلاف های بسیار جزئی در بعضی قسمت ها) تقریباً یکسان است. همچنین با دقت در نقوش و کنده کاری های به کار رفته بر روی این دو شمشیر، متوجه این نکته می شویم که نقوش و حکاکی های هر دو شمشیر کار دست یک هنرمند بوده و احتمال اینکه هر کدام از این نقش و نگارها مربوط به دو هنرمند باشد، ضعیف می نماید. در هر صورت این دو شمشیر ارزشمند از آثار فاخر موجود در مجموعه ناصرالدین شاه بوده، که با گذشت زمان سوابق آنها به فراموشی سپرده شده بود؛ لذا در این پژوهش تلاش گردید تا با بررسی میدانی و اسنادی این دو اثر ارزشمند به محققان و پژوهشگران این حوزه معرفی شوند.

جدول ۳. جدول تطبیقی ابعاد و اندازه‌های شمشیرهای موزه ملی ایران و موزه نظامی ارتش

شمشیر موزه ملی ایران	شمشیر موزه نظامی ارتش
۱. طول شمشیر: ۹۴ سانتیمتر	۱. طول شمشیر: ۹۳ سانتیمتر
۲. طول تیغه: ۸۴ سانتیمتر	۲. طول تیغه: ۷۹ سانتیمتر
۳. عرض تیغه در قسمت ابتدایی: ۳ سانتیمتر	۳. عرض تیغه در قسمت ابتدایی: ۳ سانتیمتر
۴. عرض تیغه در قسمت میانی: ۲/۶ سانتیمتر	۴. عرض تیغه در قسمت میانی: ۲/۶ سانتیمتر
۵. بیشترین میزان خمیدگی: ۱۲ سانتیمتر	۵. بیشترین خمیدگی: ۱۲/۵ سانتیمتر
۶. طول دسته به همراه بلچاق: ۱۱/۵ سانتیمتر	۶. طول دسته به همراه بلچاق: ۱۱/۵ سانتیمتر
۷. طول بلچاق: ۱۰/۵ سانتیمتر	۷. طول بلچاق: ۱۰/۵ سانتیمتر
۸. طول کلاهک قبه: ۲/۷ سانتیمتر	۸. طول کلاهک قبه: ۲/۹ سانتیمتر

نتیجه‌گیری

شمشیر تا پیش از ظهور و گسترش سلاح‌های آتشین، اصلی‌ترین ابزار جنگی در میدان‌های نبرد به شمار می‌آمده است و همین جایگاه سبب شده تا شمشیر نه تنها در منابع تاریخی، بلکه در حافظه فرهنگی جوامع نیز حضوری پررنگ داشته باشد. شمشیرهایی که به شخصیت‌های برجسته تاریخی منتسب شده‌اند، به‌ویژه به سبب بار نمادین و مشروعیتی که به صاحبان بعدی خود می‌بخشند، همواره از اهمیتی ویژه برخوردار بوده‌اند. با این حال، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بخشی از این انتساب‌ها در گذر زمان با اهداف سیاسی یا فرهنگی ساخته و پرداخته شده است.

بررسی‌های ریخت‌شناختی بر روی شمشیرهای منسوب به مختار و تیمور نشان داد که این آثار، از حیث فنون ساخت، سبک تزئینات و نوع کنیبه‌نگاری، به مراتب متأخرتر از دوران مورد ادعا هستند. به‌طور مشخص، انحنای تیغه، شیوه به‌کارگیری فولاد جوهردار و نیز سبک خط کوفی حک شده بر تیغه‌ها با ویژگی‌های شمشیرهای صدر اسلام همخوانی ندارد و در عوض، مشابهت چشمگیری با نمونه‌های شناخته‌شده عصر صفوی دارد.

علاوه بر این، بررسی ابعاد، نقوش و جزئیات تزئینی دو شمشیر نشان می‌دهد که هر دو احتمالاً ساخته دست یک استاد شمشیرساز بوده‌اند؛ امری که تأکید بر ماهیت ساختگی و متأخر انتساب آن‌ها دارد. اسناد تاریخی نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کند، چراکه هر دو شمشیر بخشی از مجموعه سلطنتی ناصرالدین شاه در کاخ گلستان بوده و توسط دو رقیب سیاسی به پادشاه قاجار پیشکش شده‌اند.

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که انتساب این شمشیرها به شخصیت‌های تاریخی صدر اسلام و تیموریان فاقد پشتوانه اصیل تاریخی بوده و بیشتر بازتابی از فرآیندهای سیاسی و فرهنگی دوره‌های بعدی است. این امر نشان می‌دهد که در مطالعه میراث جنگ‌افزارهای تاریخی، تلفیق مستندنگاری، تحلیل تطبیقی و بررسی اسنادی برای تشخیص اصالت آثار امری ضروری است؛ زیرا تنها از رهگذر چنین رویکردی می‌توان میان ارزش‌های نمادین و واقعی آثار تاریخی تمایز قائل شد.

پی‌نوشت‌ها

۱. در توضیحات ارائه شده در کنار شمشیر به اشتباه این اعداد را سال ۱۱۲۱ خوانش کرده‌اند. با توجه به سلطنت شاه صفی از سال ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ این تاریخ صحیح نیست و به نظر اعداد مذکور شکلی از طلسمات به صورت حروف ابجد است.
۲. ادامه سال مذکور به واسطه قرار گرفتن تیغه شمشیر بر زیر بلچاق قابل خوانش نبود.
۳. ادامه سال مذکور به واسطه قرار گرفتن تیغه شمشیر بر زیر بلچاق قابل خوانش نبود.
۴. اعتمادالسلطنه به اشتباه این کتیبه را عمل بهادر خوانده است.
۵. عنوان قید شده شناسایی نشد، چراکه اسم شاه اسماعیل صفوی با تاریخ قید شده تطابق ندارد.

منابع

- کتابخانه و موزه ملی ملک سند شماره: ۶۱۴۴.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران سند شماره: ۲۹۵۸۱۳۶.
- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۱). *تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران* (جلد ۸). مترجم حالت. تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- ابن مسکویه، احمد محمد (۱۳۶۹). *تجارب الامم* (جلد ۱). ترجمه ا. امامی. تهران: سروش.
- احسانی، محمدتقی (۱۳۶۸). *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران*. بی‌جا: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۲). *المآثر و الآثار (چهل سال تاریخ ایران)* (جلد ۱). به کوشش ا. افشار. تهران: اساطیر.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۴). *تاریخ منتظم ناصری* (جلد ۲). به کوشش م. رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- ایرانی، عبدالمحمد (۱۳۴۶). *پیدایش خط و خطاطان* (نسخه دوم). بی‌جا: کتابخانه ابن سینا.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۷). *شرح حال رجال ایران قرن‌های ۱۲ و ۱۳ و ۱۴* (نسخه ششم). تهران: زوار.
- تاریخچه فلز و سلاح در ایران* (۱۳۶۳). بی‌جا: نشر از گروه تحقیق و پژوهش موزه نظامی.
- توحیدی، ناصر (۱۳۶۴). *سیر تکاملی تولید آهن و فولاد در ایران و جهان*. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- خلیلی، ناصر و آلکساندر، دیوید (۱۳۸۷). *ابزارآلات جنگ*. ترجمه غلامحسین علی مازندرانی. تهران: کارنگ.
- دوینچا، رومانوسکی (۱۳۴۶). *تاریخچه اسلحه سرد در ایران*. بررسی‌های تاریخی، ۲(۳ و ۴)، ۲۶۳-۲۸۰.
- دوینچا، رومانوسکی (۱۳۴۶). *تاریخچه اسلحه سرد در ایران*. بررسی‌های تاریخی، ۲(۵)، ۷۷-۱۰۰.
- دوینچا، رومانوسکی (۱۳۴۶). *تاریخچه اسلحه سرد در ایران*. بررسی‌های تاریخی، ۲(۶)، ۸۹-۱۱۲.
- ذکاء، یحیی (۱۳۴۸). *تاریخچه ساختمانهای ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*. تهران: انجمن آثار ملی.
- ذکی، عبدالرحمن (بی‌تا). *السیف فی العالم الاسلامی*. قاهره: دارالکتاب العربی مصر.
- زروانی، مجتبی (۱۳۹۳). *ذوالفقار*. در *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۸.
- سیاح، محمدعلی بن محمدرضا (۱۳۵۹). *خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت* (نسخه ۳). به کوشش س. ا. گلکار. تهران: امیرکبیر.

شاردن، جان (ج ۱-۱۳۴۹، ج ۲-۱۳۴۹، ج ۳-۱۳۳۶، ج ۴-۱۳۳۶، ج ۷-۱۳۴۵، ج ۸-۱۳۴۵، ج ۹-۱۳۴۵). سفرنامه. ترجمه محمدعباسی. تهران: امیرکبیر. ۱۰ جلدی.

شاردن، جان (۱۳۷۴). سفرنامه شاردن (نسخه اول). ترجمه ا. یغمایی. تهران: توس.

طبری، محمد (۱۳۷۵). تاریخ طبری (جلد ۵). ترجمه ا. پاینده. تهران: اساطیر.

قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷). فوایدالصفویه. تصحیح میراحمدی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

کاری، جملی (۱۳۴۸). سفرنامه. ترجمه دکتر عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ. انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر به ایران. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.

واله قزوینی اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۲). خلدبرین (نسخه دوم). به کوشش م. نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

Ayd n, H. (2005). *The Sacred Trusts: Pavilion of the Sacred Relics*. Istanbul: Topkapipalace Museum, TughraBooks.

Bilirgen, E. (2014). *Topkapi Palace Museum*. Istanbul Turkiye: BilkentKulturGirisimi.

Can, Turhan. *Topkapi Palace*. Istanbul: Orient.

Khorasani, M. M. (2006). *Arms and Armor from Iran*. Legat Publication.